

# مقدمه ناشر

شعر، حال آدم رو بهتر می‌کنه یا موسیقی؟ این سؤال از اون سؤالات که از قدیم بین حکیم و شیخ و صوفی و عارف و فیلسوف سرش جنگ و دعوا بوده و هنوز هم کم و بیش هست؛ ولی تجربه دیگه‌ای هم هست که حال آدم رو خیلی خوب‌تر می‌کنه: شعر و موسیقی با هم! مثلاً وقتی شعر حافظ و سعدی و مولانا رو با صدای استاد شجریان گوش می‌کنی، همه‌چیز از شعر و موسیقی و موسیقی شعر گرفته تا زمین و زمان به طرز عجیبی زیبا و روحانی و پرمعنا می‌شه.

مثلاً این شعر حضرت حافظ رو با نفس استاد شجریان شنیدید؟<sup>۱</sup>



راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد  
شعری بخوان که با او رطل گران توان زد  
بر آستان جانان گر سر توان نهادن  
گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد ...

من که می‌گم کتاب علوم و فنونتون رو با عشق بخونید، موسیقی مورد علاقه‌تون رو گوش کنید، گاهی موسیقی سنتی هم گوش کنید و بر آستان جانان سر بنهید تا به امید خدا گلبانگ سربلندی‌تون بر آسمان زده شود.

از سعید احمدپور و محمدرضا لمسه‌چی خیلی خیلی ممنونم برای نوشتن کتابی که در آن نسیم می‌وزد و سپاس از آقای ابوالفضل قاضی که نظرات مؤثری برای بهتر شدن کتاب دادند و مرسی از مریم طاهری که مسئولیت‌پذیری و پی‌گیری‌هاش چاره‌ساز شد و کتاب به موقع رسید و هم‌چنین از بر و بچه‌های حرفه‌ای و کاردست واحد تولید متشکریم.

موسیقی شعر زندگی‌تان موزون و خوش‌نوا

# مقدمه مؤلفان

تو داستان‌های اسطوره‌ای یونان باستان، پادشاهی وجود داشته به نام سیزیف. راستش پادشاه شیطونی هم بوده! مثلاً یکی از شیطونیاش این بوده که تاناتوس، الهه مرگ رو به زنجیر کشیده و دیگه کلاً هیچ کی نمی‌مرده!! حساب کن چه اوضاعی شده! جنگ‌ها مدت‌ها طول می‌کشیدن و هیچ‌کدوم از سربازا کشته نمی‌شدن! یا مثلاً مردم می‌خواستن واسه مراسم‌شون قربانی کنن، اما گاو و گوسفندای محترم کلاً نمی‌مردن!! اوضاعی بوده خلاصه! یکی دیگه از شیطونیای این جناب سیزیف هم این بوده که واسه الهه بزرگ، زئوس، شاخ‌بازی درآورده! زئوس هم به تنبیه سخت و عجیب براش در نظر گرفته. اتفاقاً این قصه رو گفتم برای رسیدن به همین بخش، مجازات سیزیف این بوده که باید برای همیشه یه سنگ بزرگ رو می‌برده بالای یه سرایشی، اما همین که به نزدیک قله می‌رسیده سنگ دوباره می‌افتاده پایین و باز باید می‌رفته و سنگ رو می‌آورده بالا ... و این تنبیه برای سیزیف همیشگی بوده، سنگ بزرگی رو بالای کوه بردن، افتادن سنگ به پایین و دوباره و دوباره و دوباره ...

اما چرا به این قصه اشاره کردم؟ تو از امسال وارد مقطع متوسطه دوم شدی، ذره ذره سنگ‌های بزرگی سر راحت قرار می‌گیرن که باید با تلاش و کوشش از سر راحت برشون داری، یکیش کنکور ... حرفم این‌جاست که باید حسابی حواسمون باشه سنگ‌های درستی رو برای قله‌های درستی انتخاب کنیم تا انرژیمون هدر نره، تا زمانمون هدر نره ... خیلی مهمه به هدف‌هایی که انتخاب می‌کنیم حسابی فکر کنیم، به قله‌هایی که می‌خوایم فتح کنیم، تا تلاشمون یه تلاش اصولی و راهگشا باشه برای رسیدن به آرمان‌های بزرگ، وگرنه حکایت این سختی کشیدن‌ها می‌شه همون حکایت سیزیف. نکنه یهو به خودمون بیایم و ببینیم فقط سنگ‌های بزرگی رو تا نزدیک قله بردیم و هیچ ...

بگذریم، یه سری توضیح بدم راجع به این کتاب:

• تو بخش تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، مواجه‌شدن با پاراگراف‌های طولانی باعث می‌شه بعضی نکات مهم از دست در برن، ضمن این‌که چون کاملاً حفظیه، ممکنه خسته‌کننده بشه برات، از طرف دیگه هم تو این بخش، خط به خط متن کتاب مهم و سؤال‌برانگیزه، ما سعی کردیم درس‌نامه‌های این بخش رو تا حد ممکن با انواع کادرها و جدول‌ها و نمودارها و ... هم برات جذاب‌تر کنیم هم نکات رو جدا جدا و طبقه‌بندی‌شده پیش چشمت بذاریم.

• تو بخش آرایه‌ها اول اصل مطلبو شرح دادیم و بعد تا حد نیاز نکته‌هایی رو که به درد جواب‌دادن به سوالات و تست‌ها می‌خورن، آوردیم.

• تو بخش عروض، علاوه بر شرح کامل نکات، تو جدولای تقطیع درس‌نامه بخشای چالش‌برانگیز رو با ستاره معلوم کردیم تا همون اول یادگیری گیج نشی.

• تو طراحی تست‌ها سعی کردیم مبتکرانه، استاندارد و مطابق با کنکور باشن و تست تکراری نداشته باشیم. پاسخ‌نامه‌ها هم جامع، کامل و آموزشی هستن و کلی نکته تستی به‌دردبخور لابه‌لاشون هست. چیدمان تست‌ها رو هم با توجه به دوتا نکته انجام دادیم: اولاً چینش ساده به سخت (خصوصاً در بخش‌های عروض و آرایه) و ثانیاً مطابقت با ترتیب مطالب درس‌نامه، و شروع با مثال‌ها و ابیات کتاب درسی (خصوصاً تو درسای تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی). سطح دشواری تست‌ها، از کمی ساده‌تر از ساده‌ترین تست‌های کنکور شروع می‌شه تا کمی سخت‌تر از سخت‌ترین تست‌های کنکور. یه سری تست‌های دشوار هم طرح کردیم که با علامت (🔴) مشخص شدن و قصدشون بیشتر کشتی گرفتن شما با مطالب درسه. این تست‌ها سخت‌تر از کنکور هستن. تست‌های کنکور هر درس رو هم تو بخش آخر تست‌های مربوط به اون درس برات آوردیم تا مطمئن بشی با خوندن درس‌نامه و تست‌های این کتاب، تست‌های کنکور برات چه‌قدر راحت شدن. راستی! گاهی وقتا ظاهر راه حل ارائه‌شده تو پاسخ‌نامه‌ها، با پاسخ مثال‌های درس‌نامه متفاوته تا این‌جوری با انواع و اقسام شیوه‌های حل تست آشنا بشی.

• خلاصه این‌که با خوندن دقیق درس‌نامه، تست و پاسخ هر بخش، می‌تونی با خیال راحت مطمئن باشی که به اون مبحث مسلط شدی.

چند تا تشکر هم باید بکنم:

از جناب آقای قاضی که تجربه و درایتشون مثل یه تکیه‌گاه امن بود برای ما و همیشه کنارمون بودن تو روند تألیف کتاب.

از خانم مریم طاهری که با دقت، وسواس و حوصله، کارهای تألیف و آماده‌سازی رو پی‌گیری می‌کردن و اگه زحمات دلسوزانه‌شون نبود، این کتاب با این کیفیت آماده نمی‌شد.

و از بر و بچه‌های حرفه‌ای و کاربلد واحد تولید که حسابی تلاش کردن برای این کتاب، خصوصاً بچه‌های واحد گرافیک که اجرای ایده‌های تصویری ما پیرشون کرد. 😊

و مهم‌تر از همه، ممنون از شما که بودنتون، نگاه‌های مهربونتون و پیشرفتتون بهمون کلی انرژی و انگیزه می‌ده.

# فهرست

## فصل سوم

- درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی) ..... ۵۸
- درس هشتم: وزن شعر فارسی ..... ۶۷
- درس نهم: موازنه و ترصیع ..... ۷۵
- آزمون فصل ۳ ..... ۸۱

## فصل یکم

- درس یکم: مبانی تحلیل متن ..... ۷
- درس دوم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی ..... ۱۶
- درس سوم: واج‌آرایی، واژه‌آرایی ..... ۲۲
- آزمون فصل ۱ ..... ۲۹

## فصل چهارم

- درس دهم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم و ویژگی‌های سبکی آن .. ۸۳
- درس یازدهم: قافیه ..... ۹۱
- درس دوازدهم: جناس و انواع آن ..... ۱۰۵
- آزمون فصل ۴ ..... ۱۱۳

## فصل دوم

- درس چهارم: تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیه هجری ..... ۳۱
- درس پنجم: هماهنگی پاره‌های کلام ..... ۴۲
- درس ششم: سجع و انواع آن ..... ۴۹
- آزمون فصل ۲ ..... ۵۶

پاسخ‌نامه تشریحی ..... ۱۱۵

پاسخ‌نامه کلیدی ..... ۱۴۱

# درس یازدهم

## قافیه

### مقدمه

(# جریان چیه؟) باز هم قراره رابع به موسیقی در شعر حرف بزنیم، رابع به عنصری که کاربرد اصلیش قوی تر کردن جنبه موسیقایی شعره. تو درس ۲ گفتیم که وزن (یا به طور کلی تر موسیقی) ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود. این نظم رو توی پایه‌های آوایی همسان دیدی که چه‌طور تکرار منظم به پایه عروضی، ایبار موسیقی می‌کرد. مکایت این درس هم همینکه شاعر با به تکرار منظم، ایبار موسیقی کنه؛ تکرار یک یا چند حرف تو به مهمل مشخص، یعنی آفر مصراع‌ها.

### زاویه دید

درک این که قافیه چیه، کار خیلی سفتی نیست! باهایی که ممکنه تو دام تله تستی بیفتی یا سوال امتحانی سفت به نظرت برسه عمدتاً سه پاس؛ اولی تشفیص دادن کلمات قافیه تو به پید، فصوصاً و قتی با کلمات مرکب یا ردیف‌های نه پندان آشکار طرفی، دومی تغلیک و تشفیص قاعدة شماره ۱ و ۲ قافیه، و سومی توانایی تغلیک هروف الهاقی با هروف اصلی قافیه. این سه تا رو فوب یادگیری، بعیده دیگه به مشکل خاصی بغوری. درس قافیه یکی از مهم ترین دروس علوم و فنون ادبی دهمه. هم تو امتحانات، هم آزمون‌های آزمایشی و هم تو کنکور سراسری که هر سال حداقل یکی دو تا تست قافیه توش هست. حسابی وقت بنار براش.

### بریم سراصل مطلب

● خواندیم که شعر، سخنی  
 خیال انگیز  
 موزون  
 سرشار از عاطفه و احساس  
 ← است.

وزن به شعر زیبایی می‌بخشد و آن را اثرگذار می‌سازد. می‌گین نه؟ امتحان کنیم! شعر زیر رو با هم بفونیم:

ببینیم تا اسب اسفندیار      سوی آخور آید بدون سوار  
 و یا باره رستم جنگجوی      به ایوان نهد بی خداوند روی «فردوسی»

فالا فرض کنین همین کلماتو، پوری کنار هم ببینیم که وزنش رو از دست بده:

ببینیم (که) اسب اسفندیار پیاده به سوی آخور (می) آید یا باره رستم جنگجو بدون خداوند به ایوان رو می‌نهد.

واضحه که چه قدر بار عاطفی و احساسی کلام کم می‌شه! وجود وزن، اثرگذاری این کلمات پتاب فردوسی رو چند برابر کرده (تازه به دقت و وسواس این شاعر بزرگ تو انتقاب کلمه‌ها دقت کنید. رابع به اسفندیار کلمات اسب، آخور و سوار رو به کار می‌بره، اما رابع به رستم، قهرمان اصلی شاهنامه، کلمات باره، ایوان و خداوند رو و به این ترتیب مقام بالای رستم رو القا می‌کنه).<sup>۱</sup>

یکی دیگر از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید، «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

### قافیه و ردیف در شعر

قافیه: واژه‌هایی است که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک باشد. جایگاه قافیه غالباً در اواخر مصراع‌هاست.<sup>۲</sup>

حروف قافیه: حرف یا حروف مشترکی است که در آخر واژه‌های قافیه می‌آیند.

ردیف: کلمه یا کلماتی است که بعد از واژه قافیه ... از نظر لفظ و معنی ... عیناً تکرار می‌شوند.

۱- **تومیه‌های غیرکنگوری**، از عظمت شاهنامه فردوسی زیاد گفتیم و شنیدیم. این‌ها می‌فوام به پیشنهاد جزئی تر بریم، لاقول دوتا از داستان‌های شاهنامه رو هتماً بفونید. هتی آگه شه متش رو به نثر؛ یکی داستان رستم و اسفندیار و یکی داستان سیاوش. همین دوتا کافیه تا ببینید فردوسی چه تابعه‌ای بوده و چه عناصر جذاب و شگفت‌آوری تو داستان‌های شاهنامه وجود داره. بعرض احتمالاً دیگه دلتون نمیارد باقی شاهنامه رو نفونید!  
 ۲- به دو دلیل می‌گیم غالباً و نمی‌گیم همیشه! (۱) ممکنه آخرین کلمات به مصراع، ردیف باشن نه قافیه و در قالبی مثل غزل یا قصیده، پز مصراع اول باقی مصراع‌های فرد قافیه ندارن. (۲) گاهی ممکنه وسط مصراع هم قافیه داشته باشیم یا آخر مصراع‌ها دوتا قافیه داشته باشیم که تو ادامه درس فواهی فونند.

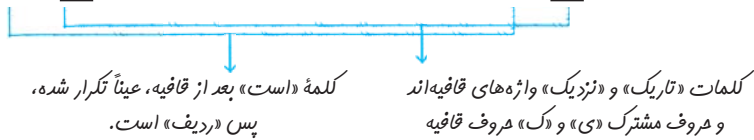


نیاز به مثال شدیداً حس می‌شود، نه؟! بریم پندتا مثال ببینیم:

**مثال ۱** چون گذارد خستِ اول بر زمین معمار، کج  
گر رساند بر فلک باشد همان دیوار، کج **«صائب تبریزی»**  
خب! گفتیم قافیه واژه‌هایی هستند که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک باشند و غالباً در اواخر مصراع‌ها به کار می‌روند. دو کلمه «معمار» و «دیوار» این‌گونه‌اند.

پس واژه‌های قافیه در این بیت «معمار» و «دیوار» هستند. کلمه «کج» هم که در پایان هر دو مصراع آمده، ردیف است. حروف قافیه، حروف مشترک آخر واژه‌های قافیه است، در این بیت دو حرف «ا» و «ر» در آخر کلمات معمار و دیوار مشترک‌اند.

**مثال ۲** شبِ فراق، چو زلفت اگرچه تاریک است  
امیدوارم از آن رو که صبح نزدیک است **«سلمان ساوهی»**



**مثال ۳** ای دیو سپید پای در بند  
ای گنبد گیتی ای دماوند **«ملک الشعرای بهار»**  
واژه‌های قافیه «بند» و «دماوند» هستند و حروف مشترک آن‌ها «نَد» است. این شعر، ردیف ندارد.

### قواعد قافیه

حداقل حروف لازم برای قافیه، تابع دو قاعده است:

**قاعده ۱:** هر یک از مصوت‌های «ا» (با صدای آ) و «و» (با صدای او) به تنهایی می‌توانند قافیه بسازند.

**قاعده ۲:** گاهی یک مصوت، با یک یا دو صامت پس از خود قافیه می‌سازد.

مثال‌هایی برای قاعده ۱:

**مثال ۴** تو را گم می‌کنم هر روز و پیدا می‌کنم هر شب  
بدین‌سان خواب‌ها را با تو زیبا می‌کنم هر شب **«مفدعلی بهمنی»**

«پیدا» و «زیبا»، واژه‌های قافیه‌اند. حرف مشترک آن‌ها «ا» است که به تنهایی قافیه می‌سازد. «می‌کنم هر شب» هم ردیف است که پس از واژه‌های قافیه، عیناً تکرار شده است.

**مثال ۵** هیچ دانی آشنا کردن بگو  
گفت نی! ای خوش جواب خوبرو **«سعدی»**

«بگو» و «خوبرو» واژه‌های قافیه‌اند. حرف مشترک آن‌ها «و» است که به تنهایی قافیه می‌سازد. بیت ردیف ندارد.

مثال‌هایی برای قاعده ۲:

**مثال ۶** چون مرا مجروح کردی، گر کنی مرهم رواست  
چون بمردم ز اشتیاق، مرده را ماتم رواست **«عطار»**

«مرهم» و «ماتم» واژه‌های قافیه‌اند. حروف مشترک آن‌ها «م» است؛ یعنی یک مصوت + یک صامت پس از آن؛ «رواست» ردیف است.

**مثال ۷** داری تو گمان که مرغ آن درد  
تنها به دل تو آشیان کرد؟ **«بامی»**

«درد» و «کرد» واژه‌های قافیه‌اند. حروف مشترک آن‌ها «د» است، یعنی یک مصوت + دو صامت پس از آن؛ بیت، ردیف ندارد.

### تبصره

به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاقی شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آن‌ها لازم است. (الحاق به معنی متمم شدن و پیوستگیه. شنیدی می‌گن فلانی به ما ملحق شد؟ یعنی به ما پیوست. حروف الحاقی هم فروشی هستند که به کلمه اصلی متمم می‌شوند و می‌پویند! مثلاً وقتی می‌گید «کتابم» (به معنی کتاب من) یا «کتابی» (به معنی یک کتاب) حروف «م» و «ی» به کلمه اصلی، یعنی «کتاب» ملحق شدن.)

• حروف الحاقی عبارت‌اند از:

**الف) شناسه‌ها:**

**مثال ۸** تو هیچ عهد نبستی که عاقبت نشکستی  
مرا بر آتش سوزان نشاندی و ننشستی **«سعدی»**

«ست + ی» حروف قافیه‌اند. «ست» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ی»، شناسهٔ دوم‌شخص مفرد، حرف الحاقی

**ب) ضمائر متصل:**

**مثال ۹** چه لطیف است قبا بر تن چون سرو روانت  
آه اگر چون کمرم دست‌رسیدی به میانت (کمر = کمر بند) **«سعدی»**

«ان + ت» حروف قافیه‌اند: «ان» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ت»، ضمیر متصل، حرف الحاقی

**پ) مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (م، ی، یم، ید، نند):**

**مثال ۱۰** چنان در قید مه‌رت پایبندم  
که گویی آه‌وی سر در کمندم **«سعدی»**

«ند + م» حروف قافیه‌اند. «ند» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «م»، به معنی هستیم، حرف الحاقی

۱- با نفوذت نگلی این «ا» داره پس قاعدهٔ یک. قاعدهٔ یک می‌گفت «ا» و «و» می‌تونن به تنهایی قافیه باشن. وقتی مصوت + صامت داریم، پای قاعدهٔ ۲ در میونه. حالا چه مصوت بلند چه مصوت کوتاه.

ت) «ی» آخر بعضی از واژه‌های مختوم به «ا» و «و»:

**مثال ۱۱** همی ریخت خون و همی کند موی سرش پر ز خاک و پر از آب روی **«فردوسی»**

«و + ی» حروف قافیه‌اند. «و» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «ی» حرف الحاقی

**مثال ۱۲** خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای **«فردوسی»**

«ا + ی» حروف قافیه‌اند. «ا» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «ی» حرف الحاقی

کتاب درسی شما برای حروف الحاقی همین موارد را مثال زده است، اما حروف الحاقی انواع دیگری هم دارند که چند تای دیگرشان را برایتان ذکر می‌کنیم. در کل به یاد داشته باشید هر پسوند مشترکی بین دو کلمه قافیه، الحاقی به شمار می‌آید.

ث) «ی» نکره در کلماتی مثل «درختی (یک درخت)»، «دختری (یک دختر)»، «ستاره‌ای (یک ستاره)» و ...

**مثال ۱۳** دیدم امروز بر زمین قمری همچو سروی روان به رهگذری **«فاصل نظری»**

«ر + ی» حروف قافیه‌اند. «ر» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ی» نکره، حرف الحاقی

ج) «ی» مصدری که معنای «بودن» می‌دهد؛ مثلاً «جوانمردی (جوانمرد بودن)»، «توانمندی (توانمند بودن)»، «زردی (زرد بودن)» و ...

**مثال ۱۴** به جز از خوبی و شکرخندی داشت پیرایه هنرمندی (پیرایه = زیور) **«نظامی»**

«ند + ی» حروف قافیه‌اند. «ند» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ی» به معنی بودن «شکرخند بودن، هنرمند بودن» حرف الحاقی

چ) علامت‌های جمع «ها، ان، ات، ون»:

**مثال ۱۵** همی گویم و گفته‌ام بارها بود کیش من مهر دلدارها **«علامه طباطبائی»**

«ار + ها» حروف قافیه‌اند. «ار» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ها» نشانه جمع حروف الحاقی

ح) صفت‌های عالی (برترین) و تفضیلی (برتر) یعنی: «تر و ترین»

**مثال ۱۶** هر که او بیدارتر پردردتر هر که او هشیارتر رخ‌زردتر **«مولوی»**

«رد + تر» حروف قافیه‌اند. «رد» حروف اصلی (قاعده ۲) و «تر» صفت برتر، حروف الحاقی

خ) «ن» مصدری؛ مثل: «دیدن، شنیدن، گفتن و ...»

**مثال ۱۷** از حریصی عاقبت نادیدن است بر دل و بر عقل خود خندیدن است **«مولوی»**

«ید + ن» حروف قافیه‌اند. «ید» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ن» مصدری، الحاقی

حروف الحاقی انواع دیگری نیز دارند؛ مثلاً «ی» میانجی و مصوت کوتاه «ه» در آخر کلماتی مثل کشته، ساده، فرشته و ... که در آن‌ها «ه» تلقظ نمی‌شود.

### نکته ۱

گفتیم که به طور کلی، هر پسوندی که میان دو کلمه قافیه مشترک باشد الحاقی به حساب می‌آید.<sup>۱</sup>

### نکته ۲

این که فقط حروف الحاقی دو کلمه یکسان باشد، باعث نمی‌شود آن دو کلمه بتوانند قافیه بسازند. جدول زیر چند مثال برای این نکته است. وقتی حروف الحاقی را از مثال‌های زیر حذف کنید، خواهید دید که کلمات ستون اول جدول با کلمات ستون دوم باز هم حرف مشترک دارند، اما با کلمات ستون سوم ندارند.

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
زنان	دشمنان - صف‌شکنان - هم‌میهنان (اگر حروف الحاقی «ان» نشانه جمع را حذف کنیم، باز هم حروف مشترک «ن» طبق قاعده ۲ میان این کلمات با کلمه «زنان» مشترک است و قافیه می‌سازد.)	مردان - درختان - دوستان (اگر حروف الحاقی «ان» را حذف کنیم، میان کلمات این ستون و کلمه «زنان» حرف مشترک قافیه وجود ندارد.)
نشکستی	نشستی - پیوستی - جستی اگر حرف الحاقی «ی»، شناسهٔ دوم شخص مفرد، را حذف کنیم، باز هم حرف «ست» میان این کلمات مشترک است و طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازد.	بریدی - برخاستی - برداشتی با حذف «ی» الحاقی، دیگر حرف مشترک قافیه میان این کلمات با «نشستی» وجود ندارد. مثلاً: [برخاستی] ← برخاست ← «است» و [نشکستی] ← نشکست ← «ست» نمی‌توانند قافیه بسازند.

۱- بعضی از نکاتی که در ادامه این درس می‌خوانید، در کتاب درسی شما نیستند؛ اما تهرهٔ چند سال اخیر کنکور ثابت کرده است که مطالب مقتضی گفته شده در کتاب درسی، برای پاسخ‌گویی به تست‌های کنکور، همیشه کافی نیستند. ما تلاش کردیم تمام نکات لازم و ضروری را برایتان ذکر کنیم که با هیچ تست قافیه‌ای غافلگیر نشوید.

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
خوب‌تر	محبوب‌تر - پر آشوب‌تر	بدتر - بالاتر - خراب‌تر
شور انگیز	غرور انگیز گفتیم هر پسوند مشترکی میان کلمات قافیه را می‌توانیم الحاقی به شمار بیاوریم. «انگیز» در این کلمات مشترک است، اگر آن را حذف کنیم، «شور» قافیه نمی‌سازد. و «غرور» با هم قافیه می‌سازند.	فتنه انگیز - دل انگیز
کیمیاگر	خنیباگر «گر» را که الحاقی است حذف می‌کنیم. کیمیا و خنیا با هم طبق قاعده ۱ با حرف مشترک «ا» قافیه می‌سازند.	زرگر - مسگر - آهنگر «گر» را که حذف کنیم، «کیمیاگر» با هیچ کدام از این کلمات قافیه نمی‌سازد.

**توجه** گفتیم رعایت حروف الحاقی در قافیه لازم است. پس اگر دو کلمه، حروف مشترک اصلی قافیه داشتند، اما حروف الحاقی آن‌ها متفاوت بود، قافیه نمی‌سازند. چند مثال در جدول زیر ببینید:

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
پَریدِ ی	دیدِ ی - خریدِ ی - پسندیدِ ی	دیدیدِ م - پسندیدیدِ م
جهانِ آفرین	جانِ آفرین	جانِ فزا - جانی
دشمنان	هم‌میهنان - زنان	هم‌میهن‌ها - زن‌ها
خیالِ انگیز	ملالِ انگیز	ملالِ آور

### نکته ۳

اگر فقط یکی از کلمات قافیه (در یک مصراع) حروف الحاقی داشت و این حروف الحاقی با حروف پایانی اصلی کلمه قافیه در مصراع دیگر یکسان بود، قافیه دانستن دو کلمه صحیح است؛ مثلاً دو کلمه (خوب‌تر - شَر) با هم قافیه می‌سازند. کلمه «خوب‌تر» دارای حروف الحاقی (پسوند «تر») است، اما دو حرف آخر آن، یعنی «ر» با دو حرف آخر کلمه «شَر» (یعنی «ر») یکسان است و لذا طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازند یا مثلاً دو کلمه (مردان - نان) با هم قافیه می‌سازند. حروف مشترک آن دو «ان» است، در کلمه «مردان» این دو حرف الحاقی هستند، اما در کلمه «نان» جزء حروف اصلی کلمه.

### مثال ۱۸ لفظها و نامها چون دامهاست لفظ شیرین ریگی آب عمر ماست (مولوی)

«ست» مخفف «است» نقش ردیف شعر را دارد. کلمات قافیه در این شعر (نامها - ما) هستند. کلمه «نامها» حروف الحاقی دارد ← «ها» ی نشانه جمع؛ اما کلمه «ما» حرف الحاقی ندارد. از طرفی، حرف پایانی کلمه «نامها» یعنی «ا» حروف پایانی کلمه «ما» یکسان است. پس «نامها» و «ما» طبق قاعده ۱ قافیه می‌سازند.

### نکته ۴

اگر هر دو کلمه قافیه حروف الحاقی یا پسوند داشتند، اما از دو نوع مختلف، شرط این که قافیه صحیحی بسازند این است که حروف پایانی این دو کلمه طبق یکی از قواعد ۱ یا ۲ قافیه، مشابه باشد؛ مثلاً دو کلمه (آهنگر - خوب‌تر) با هم قافیه می‌سازند، اگرچه حروف الحاقی آن‌ها از دو نوع متفاوت است (اولی «گر» و دومی «تر»)، اما چون حروف پایانی «ر» بین آن‌ها مشترک است، طبق قاعده ۲ قافیه صحیح می‌سازند یا مثلاً کلمات (درخت‌ها - رعدآسا) با هم قافیه می‌سازند، اگرچه حروف الحاقی آن‌ها از دو نوع متفاوت است (اولی «ها» ی نشانه جمع و دومی پسوند «آسا»)، اما چون هر دو کلمه به مصوت «ا» ختم شده‌اند طبق قاعده ۱ با هم قافیه می‌سازند.

۱- توصیه‌های غیر تکنیکی، برای مثنوی مولوی شرح‌های فیلی زیادی نوشته شده، یکی از بهترین‌هاش شرح علامه جعفریه، شمی که علامه روی این بیت نوشته رو بقون و ببین چه معنای عمیقی پشت این بیت هست، خصوصاً برای ما که تو دنیای امروز، هر روز بیشتر از قبل با مفاهیم و لغات و ایده‌های جدید مواجهیم.

جمع‌بندی مباحث مربوط به حروف الحاقی در قافیه	
وضعیت حروف الحاقی در دو کلمه	راه تشخیص صحیح بودن قافیه
اگر هر دو کلمه، حروف الحاقی یا پسوندی از یک نوع مشابه داشته باشند،	حروف الحاقی یکسان را حذف می‌کنیم، اگر شکل اصلی دو کلمه مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف مشترک داشتند، دو کلمه با هم قافیه می‌سازند.
اگر فقط یکی از دو کلمه حروف الحاقی یا پسوند داشت،	حروف الحاقی یا پسوند را حفظ می‌کنیم. اگر در همین حالت (که یک کلمه حروف الحاقی یا پسوند دارد و دیگری نه)، مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف آخر مشترک داشتند، دو کلمه با هم قافیه می‌سازند.
اگر هر دو کلمه حروف الحاقی یا پسوند داشتند، ولی از دو نوع مختلف،	حروف الحاقی یا پسوند هر دو کلمه را حفظ می‌کنیم. اگر در همین حالت، حروف آخر دو کلمه مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ مشابه بود، دو کلمه قافیه می‌سازند.

### تست آموزشی چند گروه از کلمات داخل پرانتز با هم قافیه می‌سازند؟

(شما - انسان‌ها)، (صنعتگر - بلندتر)، (شکستم - کم)، (رازها - روزها)، (مسافر - خوب‌تر)، (غرورت - عبورم)، (نشاطبخش - شادی‌بخش)  
 (۱) دو گروه      (۲) سه گروه      (۳) پنج گروه      (۴) شش گروه

**پاسخ گزینه ۲:** گروه کلمات را یکی‌یکی بررسی کنیم: (شما - انسان‌ها) ← مطابق نکته ۳ قافیه می‌سازند. حرف «ا» در آخر دو کلمه وجود دارد (قاعده ۱) / (صنعتگر - بلندتر) ← نکته ۴، حروف «ر» در پایان دو کلمه مشترک است و قافیه می‌سازند (قاعده ۲) / (شکستم - کم) ← مطابق نکته ۳ قافیه می‌سازند؛ با حروف مشترک «م» (قاعده ۲) / (رازها - روزها) ← مطابق نکته ۲، قافیه نمی‌سازند / (مسافر - خوب‌تر) شرایط آن‌ها، مانند نکته ۳ است، اما کلمه اول به «ر» ختم می‌شود و کلمه دوم به «ر» پس قافیه نمی‌سازند / (غرورت - عبورم) ← حروف الحاقی از یک نوع هستند (ضمیر متصل)، اما یکسان نیستند، اولی «ت» و دومی «م»، پس قافیه نمی‌سازند / (نشاطبخش - شادی‌بخش) ← مطابق نکته ۲ قافیه نمی‌سازند.

**تذکر:** برای مشخص کردن قافیۀ هر شعر ← ابتدا ردیف را مشخص می‌کنیم ← بعد حروف الحاقی ← و سپس حروف اصلی را.   
 • قدما آخرین حرف اصلی کلمه را «زوی» می‌نامیدند.

### نکته ۵

دقت کنید که در تعریف ردیف گفتیم: «کلماتی که هم از نظر لفظ، هم از نظر معنا عیناً تکرار می‌شوند»؛ یعنی اگر دو کلمه از لحاظ لفظی و ظاهری یکسان بودند، اما معنای متفاوتی داشتند دیگر ردیف نیستند، بلکه واژه‌های قافیه‌اند.

**مثال ۱۹:** دوش گیسوی تو را ریخته دیدم بر دوش / خاطرآشفته‌ام امشب ز پریشانی دوش «شهریار»  
 «دوش» اول به معنی شانه و «دوش» دوم به معنی دیشب است؛ پس این دو کلمه قافیه‌اند، نه ردیف.

### نکته ۶

بعضی شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه درون مصراع‌ها نیز قافیه می‌آورند که به آن «قافیۀ درونی» گفته می‌شود. رایج‌ترین شکل قافیۀ درونی این‌گونه است که شاعر بیت را به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌کند و در انتهای دو، سه، یا هر چهار قسمت آن، واژه‌های دارای قافیه می‌آورد.

**مثال ۲۰:** من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او / گویی که نیشی دور از او در استخوانم می‌رود «سعری»  
 کلمات مشخص‌شده، در حروف «ور» مشترک‌اند و قافیۀ درونی شعر را می‌سازند.

### ذوقافیتین

### نکته ۷

گاهی شعر دارای دو قافیۀ پایانی است که آن را (ذوقافیتین) می‌نامند. در این‌گونه شعرها قافیۀ اصلی در واژه‌های آخر مصراع‌هاست.

**مثال ۲۱:** خداوندا در توفیق بگشای / نظامی را ره تحقیق بنمای

«توفیق» و «تحقیق» با یکدیگر حروف مشترک دارند و «بگشای» و «بنمای» با هم. «بگشای» و «بنمای» قافیه‌های اصلی به شمار می‌آیند و این شعر ذوقافیتین است.

**مثال ۲۲:** از آن مرد دانا دهان دوخته‌ست / که ببند که شمع از زبان سوخته‌ست «سعری»

«ست» مخفف (است)، نقش ردیف را دارد. «سوخته» و «دوخته» قافیه‌های اصلی به شمار می‌آیند با حروف مشترک «خت» (قاعده ۲). پیش از این دو، دو کلمه «دهان» و «زبان» هم با حروف مشترک «ان» (طبق قاعده ۲) قافیه می‌سازند، لذا این بیت ذوقافیتین است.





## نکته ۸

در ابیاتی که ذوقافیتین هستند، گاهی بین جفت کلمه اول قافیه ساز و جفت کلمه دوم آن، یک کلمه تکراری وجود دارد. این مسئله مانعی برای وجود ذوقافیتین در بیت نیست. مثال زیر را ببینید:

**مثال ۳۳** ای شاه زمین بر آسمان داری تخت سست است عدو تا تو کمان داری سخت *(امیر معزی)*

«تخت» و «سخت» قافیه‌های اصلی هستند («تخت» ← قاعده ۲). «آسمان» و «کمان» هم با یکدیگر قافیه می‌سازند. («ان» ← قاعده ۲). اما بین این دو جفت کلمه، کلمه «داری» تکرار شده است. همان‌طور که گفتیم، وجود این کلمه تکراری مانعی برای ذوقافیتین بودن بیت نیست.

## نکته ۹

**دام‌های ذوقافیتین:** ممکن است در بعضی سؤالات و تست‌ها، از شما بخواهند بیت دارای ذوقافیتین را پیدا کنید. در این موارد احتمال دارد از بعضی تله‌های تستی استفاده شود. چند تا از رایج‌ترین تله‌های ذوقافیتین را در جدول زیر ذکر کرده‌ایم. دقت کنید که در هیچ کدام از این حالات، بیت ذوقافیتین نیست:

مثال	وضعیت قافیه
<p>بود روز ..... بود سوز</p> <p>دوست کار ..... دوست یار</p> <p>خواست بردارد ..... خواست بسپارد</p>	<p>اگر قبل از قافیه اصلی، یک کلمه تکراری داشتیم، اما قبل از آن کلمه تکراری، کلمات دارای قافیه وجود نداشت.</p>
<p>عشق مست ..... صدق دست</p> <p>مست و دست طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازند، اما عشق و صدق اگرچه حرف مشترک «ق» را دارند، اما مطابق هیچ کدام از قاعده‌های ۱ و ۲ قافیه نمی‌سازند.</p> <p>زاد مرد ..... زود گرد</p> <p>«مرد و کرد» قافیه می‌سازند، اما «زاد و زود» نه.</p>	<p>اگر دو کلمه قبل از قافیه اصلی، علی‌رغم داشتن حرف مشترک، طبق هیچ کدام از قاعده‌های ۱ یا ۲، دارای قافیه نبودند.</p>
<p>دگرباره ..... جگرخواره</p> <p>(کلمات قافیه، مرگب هستند. نباید گفت «دگر» و «جگر» با هم قافیه می‌سازند و «باره» و «خواره» با هم، پس بیت ذوقافیتین است.)</p> <p>سربار ..... اثرگذار</p> <p>(کلمات قافیه مرگب هستند. نباید «سر» و «اثر» را با هم قافیه گرفت و «بار» و «گذار» را با هم.)</p>	<p>اگر قافیه کلمه مرگب بود، نباید آن را تجزیه کرد.</p>

## نکته ۱۰

هنگام تشخیص قافیه و ردیف مراقب کلمات مرگب باشید. گاهی تجزیه نادرست کلمه مرگب، ممکن است شما را در تشخیص ردیف، ذوقافیتین و ... دچار اشتباه کند. به مثال زیر دقت کنید:

**مثال ۴۴** مَبَر طاعت نفس شهوت پرست که هر ساعتش قبله دیگر است *(سعری)*

کلمه قافیه در مصراع اول «شهوت پرست» است و در مصراع دوم «است». این بیت نه ردیف دارد و نه ذوقافیتین است. مشابهت «پر» (در شهوت پرست) و «دیگر» در حروف «ر» نباید شما را گول بزند!

## نکته ۱۱

گاهی ممکن است دو فعل مرگب وندی، تنها در پیشوند با هم اختلاف داشته باشند و پیشوندهایشان هم طبق قاعده ۱ یا ۲ با هم قافیه بسازند، مثلاً (درکشید - برکشید) در این حالت پیشوندها قافیه می‌سازند (در - بر) و عبارت فعلی بعد از پیشوند (کشید) ردیف است. اگر تنها یکی از فعل‌ها دارای پیشوند باشد، باز هم پیشوند آن می‌تواند با کلمه قبل از فعل در مصراع دیگر قافیه بسازد؛ مثلاً (برکشید - بیشتر کشید).



**مثال ۲۵** صنما سپاه عشقت به حصار دل درآمد  
بگذر بدین حوالی که جهان به هم برآمد *«مولوی»*  
«در» و «بر» با حروف مشترک «ر» (طبق قاعده ۲) قافیه می‌سازند و «آمد» ردیف شعر است.

**مثال ۲۶** گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید  
گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید  
گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز  
گفتا ز خوبرویان این کار کم‌تر آید *«ماقند»*

در بیت اول از این غزل حافظ، «سر» و «بر» قافیه‌اند و «آید» ردیف. در مصراع دوم بیت دوم هم «کم‌تر» با «سر» و «بر» با حروف مشترک «ر» طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازد و «آید» کماکان ردیف است.

### عیوب قافیه

قاعده کلی را که می‌دانید؛ دو کلمه که بخواهند با هم قافیه بسازند حتماً باید طبق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف مشترک داشته باشند، چند مورد را که نیاز به دقت بیشتری دارد برایتان بازگو می‌کنیم:

- ۱) یکسانی حروف اصلی و اختلاف در حروف الحاقی یا یکسانی حروف الحاقی و اختلاف در حروف اصلی (که قبلاً مفصل‌تر توضیح دادیم).
- ۲) اختلاف در صامت: مثلاً دو کلمه (عشق و صدق) ← «- شق» و «- دق» ← قافیه نمی‌سازند، چرا که در صامت «ش» و «د» با هم اختلاف دارند.
- ۳) اختلاف در مصوت: مثلاً دو کلمه (گل - گل) ← «- ل» و «- ل» ← قافیه نمی‌سازند، چون در مصوت «-» و «-» با هم اختلاف دارند. یا مثلاً دو کلمه (عشق - مشق) ← «- شق» و «- شق» ← قافیه نمی‌سازند، چون در مصوت «-» و «-» با هم اختلاف دارند.
- مثال دیگر، دو کلمه (راز - روز) ← «از» و «وز» ← قافیه نمی‌سازند، چون در مصوت «ا» و «و» اختلاف دارند.
- ۴) اختلاف در شکل نوشتاری و املاي کلمات؛ مثلاً لغت «عزیز» با لغات «ریز، چیز، ستیز، گریز و ...» قافیه می‌سازد، اما با لغات «لذیذ، مریض، غلیظ» قافیه نمی‌شود، چون شکل نوشتاری حروف قافیه آن با این کلمات متفاوت است.

**تذکر** برای تشخیص قافیه حتماً حواستان به صحیح خواندن کلمه‌ها باشد، خصوصاً در کلماتی مثل (بود، بُود)، (ماند، ماند) و ...

### قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو، محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخشی سروده، دو یا چند مصراع قافیه‌دار به کار می‌برد.

**مثال ۲۷** خشک آمد کشتگاه من

در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند می‌گریند روی ساحل نزدیک

سوگواران در میان سوگواران

قاصد روزان ابری داروگ! کی می‌رسد باران؟

*«نیما یوشیج»*

فب، هالا پندتا نکتة مهم در قالب یہ تست آموزشی پالش برانگیز؛

**تست آموزشی** کلمات قافیه در ابیات زیر از حافظ، به ترتیب پیرو کدام یک از قواعد قافیه‌اند؟

الف) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست	سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا این جاست
ب) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
پ) بر سر آنم که گر ز دست برآید	دست به کاری زخم که غصه سرآید
ت) صلاح کار کجا و من خراب کجا؟	بین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا؟

(۱) قاعده ۲ - قاعده ۱ - قاعده ۱ - قاعده ۲

(۲) قاعده ۱ - قاعده ۱ - عیب قافیه دارد - قاعده ۱

(۳) قاعده ۱ - قاعده ۲ - قاعده ۱ - قاعده ۲

(۴) قاعده ۲ - قاعده ۱ - قاعده ۲ - قاعده ۲

**پاسخ گزینه ۲** و اما بررسی تک تک ابیات:

بیت «الف»: در این بیت، کلمات «خطا» و «این‌جا» قافیه هستند و حرف مشترک آن‌ها «ا» (طبق قاعده ۱) حروف «ست» در واقع مخفف کلمه «است» هستند و بنابراین ردیف به حساب می‌آیند و نه جزء حروف قافیه.

بیت «ب»: کلمات «نو» و «درو» واژه‌های قافیه‌اند، اما به شکل تلفظ آن‌ها دقت کنید: (ن + ء + و) (د + + ر + ء + و)

حروف مشترک «ء + و» هستند، یعنی یک مصوت + یک صامت پس از آن؛ یعنی قاعده ۲. پس:

### نکته ۱۱

کلماتی که به «ء + و» (ow) ختم می‌شوند، مانند (نو، جلو، پرتو و ...) اگر با هم قافیه بسازند، از قاعده ۲ پیروی کرده‌اند.

بیت «پ»: واژه‌های قافیه «بر» و «سر» هستند. اگرچه این دو، پیشوند هستند و کلمه مستقلی به حساب نمی‌آیند، اما پیشوندها و پسوندها می‌توانند قافیه بسازند. لذا «بَر» و «سَر» طبق قاعدهٔ ۲ هم‌قافیه‌اند و «آید» ردیف شعر.

بیت «ت»: کلمهٔ «کجا» در انتهای هر دو مصراع تکرار شده و ردیف است. در مصراع اول حروف آخر کلمهٔ «خراب»، «اب» است، اما در مصراع دوم با کلمهٔ «به»، با تلفظ «ب» مواجهیم و این دو نمی‌توانند با هم قافیه داشته باشند، لذا این بیت عیب قافیه دارد.

## نکته ۱۳

کلماتی مثل «خورد، خوش و ...» در قدیم «خَرَد، خَش و ...» تلفظ می‌شده‌اند. پس اگر جایی دیدید، مثلاً «گَرَد» با «خورد» یا «خوش» با «آتش» قافیه شد، ایرادی ندارد و قافیه صحیح است. هم‌چنین «سخن» را در قدیم «سَخُن» تلفظ می‌کرده‌اند. پس ممکن است در شعرهای قدیم، مثلاً ببینید که «سخن» با «گن» قافیه شده است.

## نکته ۱۴

دو کلمه را فرض کنید که در صامت یا صامت‌های آخر مشترک هستند، اما در مصوت کوتاه اختلاف دارند؛ مثلاً «بهشت» و «دشت» که در صامت‌های «شت» مشترک هستند، اما مصوت کوتاه قبل از این صامت‌ها، در یکی «ی» است و در دیگری «ت». در حالت عادی طبق قواعد قافیه، این دو کلمه با هم قافیه نمی‌سازند، اما اگر حرف یا حروف الحاقی مشابهی به انتهای این دو کلمه اضافه شود، قافیه شدن آن‌ها با هم درست است؛ یعنی «بهشت و دشت» با هم قافیه نمی‌شوند، اما برای مثال «بهشتی و دشتی» یا «بهشت‌ها و دشت‌ها» قافیه می‌سازند، چون حروف الحاقی مشترکی به انتهای آن‌ها اضافه شده است.

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

● مثال‌های کتاب تو این درس موارد خوبی برای تمرین هستن. اول با این مثال‌ها شروع می‌کنیم:

## ۳۶۶- کدام بیت ردیف ندارد؟

- ۱) شب عاشقان بیدل چه شبی دراز باشد
- ۲) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۳) یارب سببی ساز که یارم به سلامت
- ۴) کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد

## ۳۶۷- کلمات قافیه و حروف آن در بیت زیر کدام است؟

- «آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد
- ۱) می‌رسد - می‌رسد (د)
  - ۲) نگار - نگار (ار)
  - ۳) نگار می‌رسد - بهار می‌رسد (د)
  - ۴) نگار می‌رسد - بهار می‌رسد (ار)

## ۳۶۸- حروف قافیهٔ مقابل کدام بیت درست است؟

- ۱) نکنونام و صاحب‌دل و حق‌پرست
- ۲) چنین داد پاسخ فریدون که تخت
- ۳) یار بد مار است هین بگریز از او
- ۴) به جهان خرم از آم که جهان خرم از اوست

## ۳۶۹- دربارهٔ بیت زیر کدام گزینه درست است؟

- «در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن
- ۱) قافیه ندارد.
  - ۲) دارای دو قافیهٔ پایانی است.
  - ۳) ذوقافیتین است.
  - ۴) قافیهٔ درونی دارد.

## ۳۷۰- نوع قافیه در کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- ۱) مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم
- ۲) گلزار و باغ عالمی چشم و چراغ عالمی
- ۳) طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد
- ۴) دیدهٔ سیر است مرا جان دلیر است مرا



۳۷۱- چند کلمه در شعر زیر قافیه دارند؟

«از تهی سرشار / جویبار لحظه‌ها جاری است / چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب و اندر آب بیند سنگ / دوستان و دشمنان را می‌شناسم من / زندگی را دوست می‌دارم / مرگ را دشمن / وای اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم / که به دشمن باید از او التجا بردن / جویبار لحظه‌ها جاری.»

(۱) پنج (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳۷۲- قافیه کدام بیت طبق قاعده ۱ است؟

(۱) گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس  
(۲) آب آتش‌فروز عشق آمد  
(۳) نشود فاش کسی آن‌چه میان من و توست  
(۴) روز وصل دوستداران یاد باد

خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس  
آتش آب‌سوز عشق آمد  
تا اشارات نظر نامه‌رسان من و توست  
یاد باد آن روزگاران یاد باد

۳۷۳- قاعده قافیه مقابل کدام بیت نادرست آمده است؟

(۱) نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد  
(۲) من از دست کمانداران ابرو  
(۳) بر سر آنم که گر ز دست برآید  
(۴) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد ← قاعده ۲  
نمی‌یارم گذرکردن به هر سو ← قاعده ۱  
دست به کاری زخم که غصه سرآید ← قاعده ۱  
کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را ← قاعده ۱

۳۷۴- کدام توضیح درباره بیت زیر نادرست است؟

«گلاب است گویی به جویش روان  
این بیت دارای ردیف است.  
قافیه اصلی بیت طبق قاعده ۲ است.»

همی شاد گردد ز بویش روان  
(۲) این بیت ذوقافیتین است.

(۴) قافیه «جویش» و «بویش» دارای حروف الحاقی است.

۳۷۵- قافیه کدام بیت حروف الحاقی ندارد؟

(۱) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست  
(۲) کاشکی جز تو کسی داشتمی  
(۳) چندان‌که گفتم غم با طیبیان  
(۴) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست  
یا به تو دسترسی داشتمی  
درمان نکردند مسکین غریبان  
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

۳۷۶- حرف روی در بیت زیر کدام است و قافیه این بیت طبق کدام قاعده است؟

«ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی  
(۱) ی - قاعده ۱ (۲) ا - قاعده ۱

دل بی‌توبه جان آمد وقت است که بازآیی  
(۳) ای - قاعده ۲ (۴) ایی - قاعده ۲

۳۷۷- توضیح قافیه مقابل کدام بیت درست است؟

(۱) در پیش بی‌دردان چرا فریاد بی‌حاصل کنم  
(۲) ای از مکارم تو شده در جهان خیر  
(۳) یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا  
(۴) کسی دانسته نیک‌مردی نکاشت

گر شکوه‌ای دارم ز دل با یار صاحب‌دل کنم (دارای حروف الحاقی است).  
افکنده از سیاست تو آسمان سپر (قافیه درونی دارد).  
یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا (قافیه طبق قاعده ۲ است).  
کز او خرمن کام دل برنداشت (شت حروف قافیه است).

۳۷۸- کدام قسمت مشخص شده قطعه زیر قافیه دارد؟

«عاشقم بهار را / رویش ستاره در کویر را / رهنورد دشت‌های عاشقی / پر ز باده سپیده باد جام تو / ای که چون غزال تشنه آب تازه می‌خورد /  
(الف) (الف) (ب) (ب)

مرغ دل ز جاری کلام تو / در غبار کام تو / چاره فسون‌گران و رهنان / در محاق مرگ رخ نهفتن است / من که تشنه‌ام زلالی از سپیده را /  
(ب) (ب) (ب) (ب) (ت) (ت)  
من که جست‌وجوگرم سرودهای ناشنیده را / شعر من که عاشقم همیشه از تو گفتن است / ای که در بهار سبز نام تو / رسالت گل محمدی  
(ت) (ت)

شکفتن است.  
(ت)

(۱) الف - ب (۲) ب - پ (۳) ب - ت (۴) الف - ت

۳۷۹- قافیه‌شدن کدام گروه کلمات با یکدیگر نادرست است؟

(۱) (آرامی - دامی) (گذرم - تیزیرم) (نسب - حسب)  
(۲) (سالم - معلّم) (مراد - راد) (سبک‌بال - وبال)  
(۳) (درس - رأس) (سلیم - دیلم) (آستان - آستین)  
(۴) (زمین - مکین) (حد - سد) (صرع - شرع)



از این قسمت به بعد می‌ریم سراغ سؤال‌های کنکور و مثال‌های خارج از کتاب. بعضی سؤال‌ها هم ممکنه خلاقانه و فراتر از کنکور باشن. اما حتماً با اتکا به کتاب می‌تونن بهشون جواب بدی. فقط از صورت سؤال نترس!

۳۸۰- در کدام گزینه قافیه طبق قاعده ۱ است؟

- ۱) ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
- ۲) سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد
- ۳) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۴) راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست

۳۸۱- کدام بیت قافیه درونی دارد؟

- ۱) گرم از دست برخیزد که با دلدار بنشینم
- ۲) حال دلم ز حال تو هست در آتشش وطن
- ۳) چندین که برشمردم از ماجرای عشقت
- ۴) گر بزنندم به تیغ در نظرش بی‌دریغ

۳۸۲- قافیه کدام بیت طبق الگوی «مصوت + صامت + صامت + حروف الحاقی» است؟

- ۱) اگرچه عرض هنر پیش یار بی‌ادبیست
- ۲) بی مهر رخت روز مرا نور نماندست
- ۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست
- ۴) درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند

۳۸۳- قافیه کدام کلمات طبق قاعده ۱ است؟

- ۱) گویند - گزند      ۲) پرتو - مشو

۳۸۴- قاعده قافیه در کدام بیت، متفاوت است؟

- ۱) گفتم برون شدی به تماشای ماه نو
- ۲) دلم رمیده شد و غافل من درویش
- ۳) تفاوتی نکنند قدر پادشایی را
- ۴) به کوی میکده هر سالکی که ره دانست

۳۸۵- قافیه کدام بیت، نادرست است؟

- ۱) از طمع و حمله و پیکار ماند
- ۲) زاغ را و جغد را اندر قفس
- ۳) نخوانده فرق سر از پای عزم کو کردیم
- ۴) این دوا می‌خواستی آن یک پزشک

۳۸۶- قافیه در تمام گروه کلمات کدام گزینه طبق قاعده ۱ است؟

- ۱) (درو - گرو) (آشنایی - جدایی) (کوی - روی)
- ۲) (سایه - پیرایه) (جهان‌آرای - خدای) (دلبر - یاورا)
- ۳) (موی - جوی) (تنهایی - مسیحایی) (فضا - قضا)
- ۴) (همراهی - آهی) (جادو - آهو) (پرتو - رهرو)

۳۸۷- کدام بیت قافیه درونی ندارد؟

- ۱) بلی کفاف کی دهد شرابها که وی دهد
- ۲) نگر کران راغها چه سبزهها چه کشتها
- ۳) بی‌همگان به سر شود بی تو به سر نمی‌شود
- ۴) نور تویی سور تویی دولت منصور تویی

۳۸۸- در میان گروه کلمات زیر، چند مورد قابلیت قافیه‌شدن دارند؟

- (گناهی - نگاه) (بت پرست - شصت) (چراغ - اتاقم) (رضا - سزا) (حیض - عزیز) (نهر - شهر) (صغیر - سفیر)
- ۱) یک      ۲) دو      ۳) سه      ۴) چهار

۳۸۹- واژه‌های کدام گزینه با هم قافیه نمی‌سازند؟

- ۱) طین (به معنی خاک) - بساتین
- ۲) غلطی - دولتی
- ۳) صابره - نادره
- ۴) سوخته - بردوخته



۳۹۰- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- (۱) هر زبانی سخن نداند گفت  
 (۲) یار محنت کشیده چون ایوب  
 (۳) بود عاشق، زد از نخست سخن  
 (۴) نطق در بند و گوش باش دمی

۳۹۱- قافیه کدام بیت، نادرست است؟

- (۱) چنان بر صف پیل بگشاد جای  
 (۲) اینک این طومار و احکام مسیح  
 (۳) نار خندان باغ را خندان کند  
 (۴) جسم و جان و دین و دل درباختند

۳۹۲- قافیه در کدام بیت با هیچ کدام از قاعده‌های ۱ و ۲ مطابقت نمی‌کند؟

- (۱) منم بنده اهل بیت نبی  
 (۲) ز داندگان بشنو امروز قول  
 (۳) فرورفت جم را یکی نازنین  
 (۴) تو آزادی از ناپسندیده‌ها

۳۹۳- کدام گزینه طبق قاعده ۲ (مصوت + صامت + صامت) است؟

- (۱) انبیا در کار دنیا جبری‌اند  
 (۲) زانک هر مرغی به سوی جنس خویش  
 (۳) انبیا چون جنس علیین بُدند  
 (۴) دست نه تا دست جنباند به دفع

۳۹۴- قافیه کدام بیت براساس قاعده ۲ است؟

- (۱) سخن در صلاح است و تدبیر و خوی  
 (۲) مگوی آن که گر برملا اوفتد  
 (۳) چو دشنام گویی دعا نشنوی  
 (۴) هر نفس نو می‌شود دنیا و ما

۳۹۵- کدام قطعه نیمایی فاقد قافیه است؟

- (۱) آب‌های شومی و تاریکی و بیداد/ خاست فریادی و دردآلود فریادی/ من همان فریادم آن فریاد غم‌بنیاد  
 (۲) با تو دیشب تا کجا رفتم/ تا خدا و آن سوی صحرای خدا رفتم/ من نمی‌گویم ملایک بال در بالم شنا کردند  
 (۳) مرغ آمین دردآلودی است کاواره بمانده/ رفته تا آن سوی خانه/ بازگشته رغبتش دیگر ز رنجوری نه سوی آب و دانه  
 (۴) بر نمی‌شد گر ز بام کلبه‌ها دودی/ یا که سوسوی چراغی گر پیامی مان نمی‌آورد/ رد پاها گر نمی‌افتاد روی جاده‌ها لغزان

۳۹۶- قافیه کدام بیت طبق قاعده ۱ نیست؟

- (۱) در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی  
 (۲) مرا چشمی است خون‌افشان ز دست آن کمان‌ابرو  
 (۳) می‌خواه و گل‌افشان کن از دهر چه می‌جویی  
 (۴) ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو

۳۹۷- در کدام گزینه واژه‌های قافیه لفظاً یکسان، ولی در معنا متفاوت هستند؟

- (۱) باید این سنگ از میان برداشتن  
 (۲) زیونی هر چه هست و بود از توست  
 (۳) روز اندر خانه سخت آشوب شد  
 (۴) گر بیایی یک سفر ما را ز پی



۳۹۸- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- ۱) وزیری که جاه من آیش بریخت
- ۲) ز صاحب غرض تا سخن نشنوی
- ۳) نگویم چو جنگ آوری پای دار
- ۴) که در تخت و ملکش نیامد زوال؟

به فرسنگ باید ز مکرش گریخت  
که گر کار بندی پشیمان شوی  
چو خشم آیدت عقل بر جای دار  
نماند به جز ملک ایزد تعال

۳۹۹- کدام ابیات به ترتیب «دارای دو قافیه پایانی» و «دارای قافیه درونی» هستند؟

- |   |                                      |                              |
|---|--------------------------------------|------------------------------|
| الف) خواهم جنونی صف شکن آشوب جان مردوزن | ب) دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را | پ) جزءها را رویها سوی کل است |
| ۱) پ - الف                              | ۲) الف - ب                           | ۳) الف - پ                   |

آرد به شورش تن به تن هم پخته را هم خام را  
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا  
بلبلان را عشق با روی گل است

۴۰۰- حروف قافیه در کدام بیت در بیش از یک واژه قرار گرفته است؟

- ۱) و اندر آن کاری که میلست و خواست
- ۲) پس تو سرهنگی مکن با عاجزان
- ۳) تیغ چوبین را مبر در کارزار
- ۴) کز پس این پیشوا برخاستند

خویش را جبری کنی کاین از خداست  
زانک نبود طبع و خوی عاجز آن  
بنگر اول تا نگردهد کار زار  
بر مقامش نایبی می خواستند

(سراسری ۸۷)

۴۰۱- در کدام بیت قافیه دارای حروف الحاقی نیست؟

- ۱) سبلتان تو به یکیک برکنی
- ۲) منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
- ۳) صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
- ۴) نماز شام غریبان چو گریه آغازم

توبه سایه ست و تو ماه و روشنی  
منم که دیده نیالوده ام به بد دیدن  
بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد  
به مویه های غریبانه قصه پردازم

(سراسری ۹۱)

۴۰۲- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- ۱) هر که او با مُرده سودایی بود
- ۲) سوختم چون بوی برناید ز من
- ۳) شاه فلک بین به صبح پرده برانداخته
- ۴) ای چرخ از آن ستاره رعنا چه خواستی

بر امید زنده سیمایی بود  
و آتش غم روی ننماید ز من  
پیر خرد بین به می خرقه درانداخته  
و ای باد از آن شکوفه زیبا چه خواستی

(سراسری ۹۱)

۴۰۳- در کدام بیت عیب قافیه پیدا می شود؟

- ۱) از وبای زرق و محرومی برآ
- ۲) مطرب جان مونس مستان بود
- ۳) بنگر این کشتی خلقان غرق عشق
- ۴) گفت شاه ما همه صدق و وفاست

در جهان حی و قیومی درآ  
نقل و قوت و قوت مست آن بود  
ازدهایی گشت گویی حلق عشق  
آنچه بر ما می رسد آن هم ز ماست

(سراسری ۹۲)

۴۰۴- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- ۱) مشو تا توانی ز رحمت بری
- ۲) قلم زن که بد کرد با زبردست
- ۳) دمی رفت و یاد آمدش روی دوست
- ۴) گدا را چو حاصل شود نان شام

که رحمت برزندت چو رحمت بری  
قلم بهتر او را به شمشیر دست  
دگر خیمه زد بر سر کوی دوست  
چنان خوش بخسبد که سلطان شام

(سراسری ۹۶)

۴۰۵- در کدام بیت حروف قافیه طبق قاعده ۲ (مصوّت + دو صامت) آمده است؟

- ۱) چون ندارم من قبول و دُر غیب
- ۲) جان نیاید در نشاط آلا که بر بوی حبیب
- ۳) هر آن حدیث که از عشق می کنند روایت
- ۴) من خاک پای آن کسم کاو خون ساغر می خورد

خلق را رد می کنم از خود به عیب  
تا گل رنگین نیاید خوش ننالند عندلیب  
خلاصه سخن است آن و مابقی است حکایت  
تا راز دل ساغر چرا هر دم به لب می آورد





(سراسری فارغ از کشور ۹۶)

می‌آور به جان من و خود گزند  
که صورت نبیند از آن خوب‌تر  
نام هر بنده جهان خواجه جهان  
مراد خویش دگرباره من نخواهم خواست

(سراسری فارغ از کشور ۹۶)

محصول دعا در ره جانانه نهادیم  
طبع بی تاب او ندارد تاب  
غرض او بر آتش باشد و بس  
روز دیگر همان بخواهد بود  
بود بنده را از خدا ناگزیر

چهار (۴)

سه (۳)

دو (۲)

یک (۱)

(سراسری فارغ از کشور ۹۷)

رقص بی‌مقصد دارد همچو خرس  
رو خمش کن حق ستاری بدان  
که معطر شد زمین و آسمان  
این مسلمان را ز گاو تن کن بجل

(سراسری فارغ از کشور ۹۷)

نرسیدی هنوز در موقوف  
نشود بزرگه پیچ‌پچی فربه  
لیک آن رسوا شود در دار ضرب  
سفه و غیبت و فضولی پند

(سراسری ۹۸)

از تو نباشد که نداری نظیر  
ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشند  
نه ز روح است و نه از روحانی است  
غم جان من بیچاره خوردی

(سراسری ۹۸)

ور دهم آن شرح، خط بر جان نهم  
بی‌طمع شد ز اشتر آن یار و خویش  
کفر ایمان گشت و ایمان کفر شد  
هر دو چشم خویش را نیکو بمال

(سراسری فارغ از کشور ۹۸)

که از بهر مردم به طاعت درست  
که پنداری این شعله بر من گل است  
قلم بر سر حرف دعوی کشید  
به از فاسق پارساپیرهن

(سراسری ۹۹)

از تاب بی‌حسابت وز پیچ بی‌شماره  
جمع از کجا توان کرد دل‌های پاره‌پاره؟  
تسخیر می‌توان کرد شهری به یک اشاره  
ممنون به یک تبسم، قانع به یک نظاره



۴۰۶- قافیه کدام بیت نادرست است؟

۱) مکن شهریارا دل ما نژند  
۲) چنان صورتش بسته تمثالگر  
۳) عکس می‌دان نقش دیباچه جهان  
۴) اگر مراد تو ای دوست بی‌مرادی ماست

۴۰۷- چند بیت «ذوقافیتین» است؟

۱- ما درس سحر در ره میخانه نهادیم  
۲- ار ضعیف ار قوی دهند شراب  
۳- زین همه زخم و چوب‌بند و جرس  
۴- بکنند این همه ندارد سود  
۵- خدایا تویی بنده را دستگیر

۴۰۸- در کدام بیت «عیب قافیه» به چشم می‌خورد؟

۱) موبه‌مو بیند ز صرفه حرص انس  
۲) چون خدا پوشید بر تو ای جوان  
۳) رفته است آوازه عدلت چنان  
۴) گفت داوودش خمش کن رو بهل

۴۰۹- قافیه کدام بیت نادرست است؟

۱) تو نگشتی به سز او واقف  
۲) نشود دل ز حرف قرآن به  
۳) مفلسان گر خوش شوند از زر قلب  
۴) شده نزدیک عام و دانشمند

۴۱۰- قافیه در همه ابیات درست است، به جز:

۱) از همه باشد به حقیقت گزیر  
۲) ای خنده تو راهزن کاروان قند  
۳) گرچه آتش نیز هم جسمانی است  
۴) تو آنچه از تو سزد گفتمی و کردی

۴۱۱- قافیه در کدام بیت، نادرست است؟

۱) من کیام آن را که شرح آن دهم  
۲) چون بدیدش یاد آورد آن خویش  
۳) مر مرا این‌جا شکایت سُکر شد  
۴) می‌نماید ماراندر چشم مال

۴۱۲- در کدام بیت، قافیه، غلط است؟

۱) پس این پیر از آن طفل نادان ترست  
۲) مرا چون خلیل آتشی در دل است  
۳) سر از کوی صورت به معنی کشید  
۴) به نزدیک من شب‌رو راهزن

۴۱۳- قافیه در کدام بیت «یک گروه قیدی» است؟

۱) ای تاب داده گیسو حالی است بر دل من  
۲) آشفگان عشقت گیرم که جمع گردند  
۳) با این سپاه مزگان از خانه گر درآیی  
۴) از لعل و چشمت آخر دیدی که شد فروغی



۴۱۴- قافیه در کدام بیت «غلط» است؟

- ۱) مرا چون خلیل آتشی در دل است
- ۲) اجل ناگهان در کمینم گشدد
- ۳) نه خود را به آتش به خود می‌زنم
- ۴) گدایی که از پادشاه خواست دخت

۴۱۵- در کدام بیت «قاعده قافیه» متفاوت است؟

- ۱) خوش آن که حلقه‌های سر زلف وا کنی
- ۲) اولین گام از سمند عقل را پی می‌کنی
- ۳) زان فشانم اشک در هر رهگذاری
- ۴) این چه دامی است که از سنبل مشکین داری

۴۱۶- کدام بیت «ذوقافیتین» است؟

- ۱) کودکی در پیش تابوت پدر
- ۲) حیلله‌آموزان جگرها سوخته
- ۳) فتنه و آشوب و خونریزی مجوی
- ۴) این سخن نه هم ز درد و سوز گفت

۴۱۷- کدام ابیات «فاقد» ردیف است؟

- الف) من قصه خویشتن بدو چون گویم  
 ب) تنگ شد از غم دل، جای به من  
 ج) مشو تا توانی ز رحمت بری  
 د) گدایی که بر خاطرش بند نیست  
 ه) خوش آن که نگاهش به سر و پای تو باشد
- ۱) ب - ج - د  
 ۲) ب - د - ه

۴۱۸- کدام بیت، براساس قاعده و تبصره «۱» قافیه سروده شده است؟

- ۱) رفتی و نام تو ز زبانم نمی‌رود
- ۲) از پسته تنگ خود آن یار شکرپوسه
- ۳) زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی
- ۴) میر من خوش می‌روی کاندلر سر و پا میرمت

۴۱۹- قاعده قافیه در مقابل کدام بیت، «غلط» آمده است؟

- ۱) ای برادر بشنوی رمزی ز شعر و شاعری
- ۲) چون من به ره سخن فراز آیم
- ۳) اگر محوّل حال جهانیان نه قضاست
- ۴) در پای تو تا زلف چلیپای تو افتاد

۴۲۰- توضیح روبه‌روی کدام بیت، در مورد قافیه درست است؟

- ۱) سپه را تو باش این زمان پیشرو
- ۲) ناقه جسم ولی را بنده باش
- ۳) دوش از در میخانه کشیدند به دوشم
- ۴) خدایا مقصر به کار آمدیم

(سراسری ۹۹)

که پنداری این شعله بر من گل است  
 همان به که آن نازنینم کشد  
 که زنجیر شوق است در گردنم  
 قفا خورد و سودای بیهوده پخت

(سراسری خارج از کشور ۹۹)

دیوانگان سلسله‌ات را رها کنی  
 وادی بی‌منتهای عشق را طی می‌کنی  
 تا به دامان توننشیند غباری  
 که به هر حلقه آن صد دل مسکین داری

(سراسری خارج از کشور ۹۹)

زار می‌نالید و برمی‌کوفت سر  
 فعل‌ها و مکرها آموخته  
 بیش از این از شمس تبریزی مگوی  
 خوابناکی هرزه گفت و باز خفت

(سراسری ۱۴۰۰)

ترک است و به چوگان بزند چون گویم  
 یک دل و این همه غم وای به من  
 که رحمت برندت چو رحمت بری  
 به از پادشاهی که خرسند نیست  
 آینه‌صفت محو تماشای تو باشد

- ۱) الف - ج - د  
 ۲) الف - ج - د  
 ۳) الف - ج - د  
 ۴) الف - ج - ه

(سراسری ۱۴۰۰)

و اندیشه تو از دل و جانم نمی‌رود  
 دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه  
 در لطف تو کس بر من نیندد گر تو بگشایی  
 خوش خرامان شو که پیش قد رعنا میرمت

(سراسری خارج از کشور ۱۴۰۰)

- تا ز ما مثنی گدا کس را به مردم نشمری (قاعده ۲)  
 خواهم که قصیده‌ای بیارایم (قاعده ۲)  
 چرا مجاری احوال برخلاف رضاست (قاعده ۱)  
 بس دل که از این سلسله در پای تو افتاد (قاعده ۱)

(سراسری خارج از کشور ۱۴۰۰)

- تویی کینه‌خواه جهاندار نو (قاعده ۱)  
 تا شوی با روح صالح خواجه‌تاش (ذوقافیتین)  
 تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم (ش: حروف روی)  
 تهی‌دست و امیدوار آمدیم (یم: حروف الحاقی)

۳۷۲- **گزینہ ۱** ردیف: کن کمال این است و بس

کلمات قافیه: هویدا - پیدا ← حرف قافیه: ا ← قاعده ۱

بیت ۱ آتش فروز - آب سوز ← وز  
بیت ۲ میان - نامه رسان ← ان  
بیت ۳ دوستداران - روزگاران ← ار

۳۷۳- **گزینہ ۲** ۱ مشک فشان - جوان ← ان ← ۲

۲ ابرو - سو ← و ← ۱

۳ بر - سر ← ر ← ۲

۴ تمنا - پیدا ← ا ← ۱

۳۷۴- **گزینہ ۱** روان و روان در دو معنی متفاوت آمده‌اند، اولی در معنی جاری و دومی در معنی روح و جان، پس ردیف نیستند و قافیه به حساب می‌آیند.

قافیه اصلی: روان - روان ← ان ← قاعده ۲

قافیه دوم: جویش - بویش ← و + یش (الحاقی) ← قاعده ۱

۳۷۵- **گزینہ ۱** ۱ یار - عیار ← ار (بدون الحاقی)

۲ کسی - دسترسی ← س + ی

۳ طبیبان - غریبان ← یب + ان

۴ گلستانم - فراوانم ← ان + م

### یادآوری

گفتیم حروف الحاقی، یعنی حروفی که به کلمه اصلی اضافه شده‌اند. این حروف در اصل کلمه حاضر نیستند و اگر آن‌ها را برداریم، باز هم کلمه ما، معنی دار است:  
طبیبان - غریبان ← طبیب - غریب اصل کلمه هستند.  
گلستانم - فراوانم ← گلستان - فراوان اصل کلمه هستند.

۳۷۶- **گزینہ ۲** حرف روی آخرین حرف اصلی قافیه است: تنهایی -

آیی: ا + یی (الحاقی) ← قاعده ۱

۳۷۷- **گزینہ ۳** جگرخوار - دار: ار ← قاعده ۲

شکل درست سایر گزینه‌ها:

۱ بی حاصل - دل ← ل الحاقی ندارد.

۲ ذوقافیتین است: «جهان - آسمان» و «خبر - سپر»

۳ «اشت» حروف قافیه است.

۳۷۸- **گزینہ ۳** (الف): کویر - بهار ← فقط «ر» مشترک است ←

قافیه ندارد.

(ب): جام تو - کلام تو - کام تو ← ام ← قاعده ۲

(پ): فسونگران - رهزان ← فسونگر - رهزن ← قافیه ندارد

(ضمن این که در آخر مصراع یا آخر قطعه نیست.)

(ت): نهفتن - گفتن - شکفتن ← فت + ن ← قاعده ۲

۳۷۹- **گزینہ ۳** درس - رأس: رس - عس ← در صامت تفاوت

دارند. (شماره ۲ در عیوب قافیه)

سلیم - دیلم: یم - م ← در مصوت متفاوت‌اند. (عیوب قافیه، شماره ۳)

آستان - آستین: ان - ین ← در مصوت متفاوت‌اند. (عیوب قافیه، شماره ۳)

حروف قافیه باید کاملاً یکسان باشد. اگر متفاوت باشند، قافیه

نادرست است.

۳۶۶- **گزینہ ۳** ردیف به کلماتی گفته می‌شود که عیناً و با یک معنا در انتهای مصراع‌ها تکرار می‌شود. کلمات «باشد، راه، باشد» به ترتیب در ۱، ۲ و ۳ ردیف هستند.

۳۶۷- **گزینہ ۲** در این بیت «می‌رسد» ردیف است و نباید آن را در کلمات قافیه به حساب آورد.

۳۶۸- **گزینہ ۴**

در نوشتن حروف قافیه باید مصوت‌های کوتاه را نوشت.

۱ حق پرست - دست ← ست ۲ تخت - بخت ← خت

در نوشتن مصوت /و/ و /ی/ در قافیه نباید حرف «ا» را اضافه

کرد. ۳ او - زشت‌خو ← و

۳۶۹- **گزینہ ۴** در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من

خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود

بیت قافیه درونی دارد.

۳۷۰- **گزینہ ۳** بیت ۳ ذوقافیتین است، اما سایر ابیات قافیه

درونی دارند.

دقت کنید که سؤال از «قواعد قافیه» نیست و «نوع» قافیه مورد

پرسش است. انواع قافیه شامل قافیه پایانی (معمولی)، قافیه

درونی و ذوقافیتین می‌شود.

۳۷۱- **گزینہ ۳** کلمات «من، دشمن، بردن» قافیه‌های شعر را

ساخته‌اند. دقت کنید کلمات قافیه در آخر مصراع‌های شعر (چه شعر

نو چه کلاسیک) می‌آیند.

۳۸۰- **گزینہ ۳** ردیف: را / رعنا و ما ← ا ← قاعدہ ۱

**بررسی سایر گزینہ ہا**

۱) ردیف: گرفت / بر و در ← ر ← قاعدہ ۲

۲) ردیف: زد / کوهساران و امیدواران ← ار + ان ← قاعدہ ۲

۴) ردیف: نیست / کنارہ و چارہ ← ارہ ← قاعدہ ۲

۳۸۱- **گزینہ ۴** کلمات «تیغ و دریغ» در مصراع اول این بیت قافیہ درونی ساخته‌اند.

۲۸۲- **گزینہ ۴** بیت ۱) بی ادبی - عربی ← ب + ی

بیت ۲) نور - دیچور ← و ر

بیت ۳) دلگشای - کرشمہ‌های ← ا + ی (نکتہ ۳ درس نامہ رو یارتونہ؟)

بیت ۴) مستند - بنشستند ← ست + ند

۳۸۳- **گزینہ ۴** ۱) ند (نکتہ ۳) / ۲) و (نکتہ ۱۱) / ۳) قافیہ نمی‌سازند / ۴) ا + بی (الحاقی)

۲۸۴- **گزینہ ۳** بیت ۱) نو - رو ← و ← قاعدہ ۲

بیت ۲) درویش - پیش ← پیش ← قاعدہ ۲

بیت ۳) پادشایی - گدایی ← ا + یی ← قاعدہ ۱

بیت ۴) رہ - تبه ← ه ← قاعدہ ۲

**یادآوری**

قافیہ کلمات «نو - درو - برو - پرتو - مشو و ...» به صورت OW (و) است و از «مصوت کوتاه + صامت» تشکیل شده است.

۳۸۵- **گزینہ ۲** قفس و قصص در شکل نوشتاری حروف قافیہ متفاوت‌اند و قافیہ غلط است. (پیکار و کار) در ۱) (کو و گو) در ۲) و (پزشک و سرشک) در ۳) کلمات قافیہ‌اند.

۳۸۶- **گزینہ ۳** موی - جوی: و + ی / تنهایی - مسیحایی: ا + یی / فضا - قضا: ا

۳۸۷- **گزینہ ۳** بیت ۱) کی دهد - وی دهد

بیت ۲) راغ‌ها - باغ‌ها / بیت ۳) نور - سور - منصور - طور

۳۸۸- **گزینہ ۴** گناهی - نگاہی ← اه + ی

بت‌پرست - شصت ← شکل نوشتاری متفاوت

چراغم - اتاقم ← شکل نوشتاری متفاوت

رضا - سزا ← ا

حیض - عزیز ← شکل نوشتاری متفاوت

نهر - شهر ← هر / صغیر - سفیر ← یر

۳۸۹- **گزینہ ۲** غلطی - دولتی (ی الحاقی) ← غلط - دولت ← شکل خطی متفاوت

۱) ین (به اختلاف «ط» و «ت» کاری نداریم. این با کلمه‌ای مثل شاهین هم قافیہ می‌سازد فقط به خاطر همین حروف مشترک «ین») ۲) ر + ه / ۳) وخت + ه

۳۹۰- **گزینہ ۲** ایوب - یعقوب: قافیہ اصلی / چون: مشترک / کشیده - چشیده: قافیہ دوم

**یادآوری**

در ذوقافیتین بین قافیہ اصلی و قافیہ دوم گاهی کلمه مشترکی می‌آید که مانند ردیف عمل می‌کند.

۳۹۱- **گزینہ ۴** ۱) جای - پای ← ا + ی

۲) مسیح - فصیح ← یح (گول تفاوت س و ص را نخورید! حروف

«یح» به تنهایی برای ساختن قافیہ کافی‌اند.)

۳) خندان - مردان ← ان (نکتہ ۴ درس‌نامه)

۴) درباختند - دریافتند ← اخت و افت + ند ← تفاوت در صامت

۳۹۲- **گزینہ ۱** نبی - وصی ← قافیہ «ی» در قواعد قافیہ وجود ندارد.

۳۹۳- **گزینہ ۴** ۱) دنیا - عقبی ← ا

۲) خویش - پیش ← یش

۳) بند - شدند ← د + ند (الحاقی)

۴) دفع - نفع ← فع

۳۹۴- **گزینہ ۳** نشنوی - ندروی ← و + ی

۱) خوی - گوی ← و + ی

۲) ملا - بلا ← ا

۴) ما - بقا ← ا

۳۹۵- **گزینہ ۴** ۱) بیداد - بنیاد / ۲) کجا - خدا / ۳) خانه - آب و دانه

**نکته**

درست است که قطعہ ۴ در این تست قافیہ ندارد، اما یادتان باشد که شعر نیمایی قافیہ دارد. در این جا فقط بخشی از شعر آمده است و این بخش خاص قافیہ ندارد.

۳۹۶- **گزینہ ۲** «ابرو» در این بیت ردیف است ← کلمات قافیہ: کمان - آن (ان) ← قاعدہ ۲ (مثالی از نکتہ ۱۰) «یی» در ۱) و ۲) و «ی» در ۳) الحاقی هستند.

۳۹۷- **گزینہ ۴** پی ← ۱) دنبال ۲) عصب و ریشہ

۳۹۸- **گزینہ ۴** زوال و تعال: قافیہ اصلی / نیامد - ایزد: قافیہ دوم

۳۹۹- **گزینہ ۱** بیت (الف): صف‌شکن - زن - تن: قافیہ درونی

بیت (ب): را - آشکارا: قافیہ‌های اصلی

بیت (پ): کل - گل قافیہ اصلی / سوی - روی قافیہ دوم

۴۰۰- **گزینہ ۱** خواست و خداست (است) ← حروف قافیہ در «خداست» داخل در کلمه «خدا» و «ست، مخفف است» پخش شده است.

۴۰۱- **گزینہ ۳** ۱) برکنی - روشنی: ن + ی

۲) ورزیدن - دیدن: ید + ن

۳) باز (گشوده) - حقہ‌باز (از مصدر باختن): از

۴) آغازم - پردازم: از + م

۴۰۲- **گزینہ ۲** ۱) «ز من» ردیف است / «برناید و ننماید»: قافیہ اصلی / «بوی و روی»: قافیہ دوم

۱) «بود» ردیف است / «سودایی و سیمایی»: قافیہ / «مُردہ و زنده» قافیہ نیستند.

۲) «انداخته» ردیف است / «بر و در»: قافیہ / «پردہ و خرّقه» قافیہ نیستند.

۳) «چه خواستی» ردیف است / «رعنا و زیبا»: قافیہ / «ستاره و شکوفه» قافیہ نیستند.

۴۰۳- **گزینہ ۳** «عشق» ردیف است / «غرق و حلق» عیب قافیہ دارند

(- ر ق و - ل ق در صامت اختلاف دارند).



۴۰۴- آگزیته ۴

۱ شام (شب) و شام (سوریه) قافیه اصلی / نان و سلطان قافیه دوم  
۲ بری (پاک) و بری (ببری) قافیه اصلی / رحمت و رحمت تکرارند و قافیه ندارند.

۳ نکته ۱۰ درس نامه در این گزینه کمکتان می‌کند! نباید دست را در دو مصراع ردیف در نظر بگیرید و زیر و شمشیر را قافیه! «زیردست» در مصراع اول کلمه قافیه است و «دست» در مصراع دوم.

۴ «دوست» ردیف است / «روی و کوی» قافیه اصلی

۴۰۵- آگزیته ۱  
۱ حبیب و عندلیب ← یب  
۲ روایت و حکایت ← ت

۳ خورد و آورد ← ر (می‌خورد در قدیم (می‌خرد) تلفظ می‌شده) + د (الحاقی)

۴۰۶- آگزیته ۳ در این بیت، «جهان» ردیف است. بین کلمات «دیباچه» و «خواجه» حروف «ب» «ه» غیرملفوظ) و «ی» میانجی الحاقی هستند و چون یکی به مصوت «چ» و دیگری به «ج» ختم می‌شود قافیه بیت غلط است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ «نژند» و «گزند» ← «ند» مشترک ← قاعده ۲

۲ «تمثالگر» و «خوبتر» ← «ر» حروف مشترک ← قاعده ۲ و نکته ۴ درسنامه

۳ حروف قافیه در مصراع اول میان دو کلمه «ما» و «ست» مخفف است» پخش شده، لذا «ماست» و «خواست» با حروف مشترک «است» مشترک‌اند.

۴۰۷- آگزیته ۱ فقط بیت ۵ ذوقافیتین است. «دستگیر» و «ناگزیر» با حروف مشترک «یر» قافیه اصلی و پیش از آن‌ها «را» و «خدا» با حروف مشترک «ا» قافیه می‌سازند.

دقت کنید که در بیت ۴، «سود» و «بود» با حروف مشترک «ود» قافیه اصلی را تشکیل می‌دهند اما پیش از آن‌ها در «بخواهد» و «ندارد»، «د» شناسه سوم شخص مفرد و الحاقی است و جز آن، حروف مشترک نداریم، پس غیر از قافیه اصلی بیت، قافیه دیگری در کار نیست.

۴۰۸- آگزیته ۱ «انس» و «خرس» فقط در صامت آخر مشابه‌اند و قافیه نمی‌سازند.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ در «جوان» و «بدان» حروف «ان» مشترک است و طبق قاعده ۲، قافیه صحیح است.

۳ «چنان» و «آسمان» در «ان» مشترک‌اند. ← قاعده ۲

۴ «پهل» و «بجل» در حروف «ل» مشترک‌اند و قافیه می‌سازند.

۴۰۹- آگزیته ۳ «لب» و «رب» نمی‌توانند قافیه بسازند.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ «موقف» و «واقف» ← «ف» ← قاعده ۲

۲ «به» و «فربه» ← «ه» ← قاعده ۲ (دقت کنید «ه» آخر کلمات وقتی الحاقی محسوب می‌شود که تلفظ نشود و صدای «ب» بدهد، مثل کشته، ساده و ...)

۴۱۰- آگزیته ۳ پسوند «انی» در دو کلمه مشترک و جزء حروف الحاقی است. (به نکته ۱ دقت کنید.) اما با حذف حروف الحاقی می‌بینیم که کلمات «جسم» و «روح» قافیه نمی‌سازند، چرا که حروف آخرشان مشترک نیست؛ پس قافیه این بیت نادرست است. (نکته ۲)

۱ بررسی سایر گزینه‌ها  
۱ نظیر و گزیر در حروف «یر» مشترک‌اند ← قاعده ۲ (گول تفاوت «ط» و «ز» را نخورید، در این دو کلمه با آن‌ها کاری نداریم).

۲ قند و نوشخند در حروف «ند» مشترک‌اند ← قاعده ۲

۳ کردی و خوردی در حروف «رد» + «ی» الحاقی مشترک‌اند ← قاعده ۲ (نکته ۱۳ را هم ببینید).

۴۱۱- آگزیته ۳ بیت ۳ عیب قافیه از نوع «اختلاف در صامت» دارد ← «کر» و «فر»

۱ بررسی سایر گزینه‌ها  
۱ «دهم» و «نهم» ← «م» قاعده ۲

۲ «خویش» اول به معنی خود و «خویش» دوم به معنی «قوم و خویش، فامیل»، پس طبق نکته ۵ قافیه صحیح است.

۳ «مال» و «بمال» ← «ال» قاعده ۲

۴۱۲- آگزیته ۲ تست بدون دارو و پالاش بر انگیزه! به تذکری که در درس نامه قبل از بخش «قافیه در شعر نو» دادیم، دقت کنید؛ درست خواندن کلمات خیلی مهم است. در همین تست کافیسیت «گل» را «گل» بخوانید تا در دام بیفتید! شاعر در مصراع دوم، شعله آتش را به گل تشبیه کرده است. «دل» و «گل» هم که با هم قافیه نمی‌شوند.

۱ بررسی سایر گزینه‌ها  
۱ «ست» مخفف «است» ردیف و «نادان‌تر» و «در» هم با حروف مشترک «ر» طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازند. (ترکیبی از نکات ۳ و ۱۱ در این گزینه وجود دارد.)

۲ یک تله تستی مهم! «کشید» در مصراع اول جزء دوم فعل «سرکشیدن» است و «کشید» در مصراع دوم به معنی «رسم کردن» است. قلم بر سر چیزی کشیدن، یعنی روی آن چیز را خط‌زدن و معنای کنایی (باطل کردن، حذف کردن و...) دارد. پس کلمه «کشید» در دو معنای مختلف به کار رفته و قافیه صحیح است (ترکیب نکته ۵ و نکته ۱۱)

۳ «راهزن» و «پیرهن» با حروف مشترک «ن» طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازند.

۴۱۳- آگزیته ۳ «به یک اشاره» قید است که کلمه قافیه (اشاره) در گروه قیدی است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ بی‌شماره، صفت است.

۲ پاره‌پاره صفت است.

۳ به یک نظاره متمم اسمی است.

۴۱۴- آگزیته ۱ کلمات قافیه (دل - گل) در مصوت کوتاه اختلاف دارند و قافیه غلط است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ کلمات قافیه (کشد - کشد) حروف اصلی (ش - ش) به دلیل داشتن حروف الحاقی (د) قافیه درست است. (نکته ۱۴ درسنامه)

۲ کلمات قافیه (می‌زنم - گردنم) حروف اصلی (ن) + حروف الحاقی

نکته

هرچند (م) در هر دو کلمه از یک جنس نیست، اما معمولاً به عنوان حروف الحاقی محسوب می‌شود.

۴۲۰- **گزینہ ۳** کلمات قافیه (دوشم «به معنی کتف»، دوشم «به معنی دیشب») جناس تام دارند. (م) حروف الحاقی و (وش) حروف اصلی هستند.

بررسی سایر گزینہ‌ها

۱ کلمات قافیه (پیشرو، نو) حروف اصلی (و) طبق قاعدهٔ دو است. (نکتهٔ ۱۲)

۲ کلمات قافیه (باش، خواجه‌تاش) حروف اصلی (اش) و کلمات قبل قابلیت قافیه شدن ندارند، پس ذوقافیتین نیست.

نکته

اگر اشتبهاً کسی (باش و تاش) را قافیه بگیرد باز در این صورت (بنده و خواجه) هم قافیه نمی‌شوند. گفتیم «ب» آخر کلماتی که «ه» غیرملفوظ دارند، الحاقی است.

۴ در این بیت (آمدیم) ردیف شعر است و حروف الحاقی را از کلمات قافیه می‌گیریم، نه ردیف شعر، کلمات قافیه هم کار و امیدوار هستند و حروف الحاقی ندارند.

۴ کلمات قافیه (دخت - پخت) حروف اصلی (تخت)

۴۱۵- **گزینہ ۱** کلمات قافیه در (۱) (وا و رها) است و طبق قاعدهٔ ۱، قافیه شده‌اند.

بررسی سایر گزینہ‌ها

۲ کلمات قافیه (پی، طی) حروف اصلی (ی) طبق قاعدهٔ ۲

۳ کلمات قافیه (رهگذاری، غباری) حروف اصلی (ار) + (ی) الحاقی طبق قاعدهٔ ۲

۴ کلمات قافیه (مشکین، مسکین) حروف اصلی (ین) طبق قاعدهٔ ۲

۴۱۶- **گزینہ ۲** کلمات قافیهٔ اصلی (مجوی و مگوی) و کلمات قافیهٔ دوم (خونریزی و تبریزی) است.

بررسی سایر گزینہ‌ها

۱ کلمات قافیه (پدر، سر) ولی کلمات (تابوت و کوفت) قافیه نمی‌شوند.

۲ کلمات قافیه (سوخته و آموخته) ولی کلمات (جگر و مکر) قافیه نمی‌شوند.

۴ کلمات قافیه (گفت و خفت) ولی کلمات (سوز و باز) قافیه نمی‌شوند.

۴۱۷- **گزینہ ۳** در بیت «ب»، «به من» ردیف است. در بیت «د»، «نیست» و در بیت «ه»، «تو باشد»

بررسی سایر ابیات

(الف): «چون گویم» در مصراع اول به معنی «چگونه بگویم» است و در مصراع دوم به معنی «مانند گوی هستم». پس ردیف نداریم.  
(ج): بری در مصراع اول به معنی «دور» است و در مصراع دوم به معنی «بری».

۴۱۸- **گزینہ ۳** قافیه‌های این بیت «زیبایی» و «بگشایی» هستند. حروف قافیه «ا» + صامت میانجی + ی. پس طبق قاعدهٔ «۱» و با تبصرهٔ حروف الحاقی ساخته شده‌اند.

بررسی سایر گزینہ‌ها

۱ زبان و جان ← «ان» قاعدهٔ ۲

۲ شکر و هر ← «ر» ← قاعدهٔ ۲

۴ پا و رعنا ← «ا» قاعدهٔ ۱ ولی تبصره و حروف الحاقی ندارد.

۴۱۹- **گزینہ ۲** کلمات قافیه (آیم و بیارایم) حروف الحاقی (یم) حرف اصلی مصوّت بلند (ا) طبق قاعدهٔ یک

بررسی سایر گزینہ‌ها

۱ کلمات قافیه: (شاعری، نشمیری) حرف الحاقی (ی) حروف اصلی (ر یا ر) طبق قاعدهٔ دو (به نکتهٔ ۱۴ دقت کنید)

۳ کلمات قافیه (قضا، رضا) حرف اصلی مصوّت بلند (ا) طبق قاعدهٔ یک و (ست)، «مخفف است» ردیف است.

۴ کلمات قافیه (چلیبای و پای) حرف الحاقی (ی) حرف اصلی (ا) طبق قاعدهٔ یک

